

۱۲ کپی‌های دور کپی‌های قریب‌یک → دکتر بابک زمانی

۱- هم‌اتاقی



سارا که دانشجوی کالج است متوجه می‌شود هم‌اتاقی‌اش، ریکا، مدام در پی اوست و به او علاقه‌ای بیمارگونه دارد؛ علاقه‌ای که بدل به خشونت‌ی عصبی می‌شود.این فیلم به کارگردانی کریسچن ای. کریستینسن و با بازی لی تون میستر و مینکا کلی توسط کمپانی سکرین جم تهیه و تولید شده و در هفته اول فروش بیش از ۱۵ میلیون دلار فروش داشته است. به گفته منتقد روزنامه نیویورک تایمز، این فیلم بر اساس تریلری با نام «زن سفیدپوست مجرد» به کارگردانی باریت شرودر ساخته شده، اما آقای کریستینسن این ادعا را قبول ندارد. به زعم منتقدان بازی لی‌تون میستر مهم‌ترین نقطه قوت فیلم است.

□

۲- خلوتگاه



تعدادی کاشف غارهای زیرآبی طی عملیاتی قدم به غاری کشف‌نشده و صعب‌العبور می‌گذارند و در این بین، بحران‌ها و مشکلات شدیدی را که خطر مرگ برای‌شان به همراه دارد، تجربه می‌کنند.این فیلم به کارگردانی الیستر گری‌رسون و با بازی ریچارد راکسبرگ،ایون گروُفود و ریس ویکفیلد توسط کمپانی یونیورسال تهیه و تولید شده و در هفته اول فروش توانسته نزدیک به ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار فروش داشته باشد. به زعم منتقدان این فیلم سرشار از کلیشه است و بازی‌های درخشانی ندارد. اما فیلمبرداری زیر آب درخشان آن و جلوه‌های ویژه‌اش توانسته افراد زیادی را به سینماها بکشاند.

□

۳- بی‌هیچ تعهدی



زن و مردی در تلاشند تا رابطه‌شان گسترش و عمق چندانی نیابد، اما پس از مدتی متوجه می‌شوند انتظارات بیشتری از این رابطه دارند. این فیلم به کارگردانی ایوان ریتمن و با بازی ناتالی پورتمن، اشتون کوچر و کوین کلاین توسط کمپانی پارامونت تهیه و تولید شده و در هفته سوم فروش خود توانسته هشت میلیون دلار فروش داشته باشد که مجموع فروش این فیلم را به بیش از ۵۱ میلیون دلار رسانده است. به زعم منتقدان این فیلم یکی از موفق‌ترین کم‌مدی‌رمانتیک‌های سال ۲۰۱۰ است.

□

۴- خطابه‌ی شاه



داستان جرج پنجم پادشاه انگلستان و به مسند قدرت نشستن ناپهنگامش. قرار است این پادشاه در آستانه جنگ جهانی دوم خطاب به مردم انگلستان و باقی کشورهای مستعمره سخنرانی کند،اما از لکنت زبان رنج می‌برد.فیلم داستان او و پزشک معالجتش و چگونگی درمان اوست. این فیلم به کارگردانی تام هوپر و با بازی کالین فرث و هلنا بونام کارتر توسط کمپانی وینشتاین تهیه و تولید شده و در هفته یازدهم فروش خود توانسته نزدیک به هشت میلیون دلار فروش داشته باشد که مجموع فروش این فیلم را به بیش از ۸۳ میلیون دلار رسانده است. خطابه پادشاه تاکنون برنده جوایز بسیاری بوده و نامزد اسکار بهترین فیلم سال، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر مرد، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد و زن، بهترین فیلمنامه، تدوین، فیلمبرداری، طراحی لباس، صدا و موسیقی متن نیز هست.

□

۵- زنبور سبز



بریت رید پس از مرگ پدرش کمپانی عظیم او را به ارث می‌برد و با کمک دستیار پدرش گروه مبارزه با تبهکاران نقابدار را راه می‌اندازد. این فیلم به کارگردانی میشال گوندری و با بازی ست روگن، جی چو و کامرون دیاز توسط کمپانی سونی پیکچرز تهیه و تولید شده است و در هفته چهارم فروش خود توانسته نزدیک به شش میلیون دلار فروش داشته باشد که مجموع فروش این فیلم را به ۸۷ میلیون دلار رسانده است.

□

۶- تشریفات مذهبی



کشیشی آمریکایی به ایتالیا سفر می‌کند تا در آنجا راه و رسم جن‌گیری بیاموزد. این فیلم به کارگردانی میکائیل هوفستروم و با بازی آنتونی هاپکینز و کولین اودونوگو توسط کمپانی برادران وارنر تهیه و تولید شده و در هفته دوم فروش خود توانسته نزدیک به شش میلیون دلار فروش داشته باشد که مجموع فروش این فیلم را به بیش از ۲۳ میلیون دلار رسانده است.

□

۷- مکانیک



داستان یک آدمکش حرفه‌ای که راه و رسم کار خود را به شاگردی که رابطه‌ای با یکی از قربانیان پیشین‌اش دارد، آموزش می‌دهد. این فیلم به کارگردانی سایمون وست و با بازی جیسون استاثم و بن فوستر توسط کمپانی سی‌بی‌اس‌فیلمز تهیه و تولید شده و در هفته دوم فروش خود توانسته بیش از پنج میلیون دلار فروش داشته باشد که مجموع فروش این فیلم را به بیش از ۲۰ میلیون دلار رسانده است. این فیلم بازسازی فیلمی قدیمی با بازی چارلز برانسون در نقش اصلی است.

□

۸- بی‌باک



یک مارشال ایالتی آمریکا به زن جوان سرسخت و کله‌شقی برای پیدا کردن قاتل پدرش کمک می‌کند. این فیلم به کارگردانی ایتن و جول کوئن و با بازی جف بریجز، هیلی استاینفلد، مت دیمون و جاش برولین توسط کمپانی پارامونت تهیه و تولید شده و در هفته هفتم فروش خود توانسته بیش از چهار میلیون و ۵۰۰ هزار دلار فروش داشته باشد که مجموع فروش این فیلم را به بیش از ۱۵۵ میلیون دلار رسانده است. این فیلم بازسازی فیلمی با همین نام است که در سال ۱۹۶۹ ساخته شده، ولی طبق سبک و سیاق کوئن‌ها تغییرات اساسی در آن ایجاد شده است. این فیلم در ژانر وسترن می‌گنجد.

□

۹- قوی سیاه



داستان یک دختر هنرپیشه باله که موفق می‌شود در اجرای «دریاچه قو» نقش اصلی را به دست آورد و هم قوی سیاه و هم قوی سفید را اجرا کند؛ دختری شکننده و معصوم که بهترین گزینه برای ایفای نقش اودت قوی سفید است، اما هر چه می‌گذرد به اودیل قوی سیاه با خواهر شیطان‌صفت اودت شبیه‌تر می‌شود. این فیلم به کارگردانی دارن آرونوفسکی و با بازی ناتالی پورتمن و میلا کورنیش توسط کمپانی فاکس سرچ‌لایت پیکچرز تهیه و تولید شده و در هفته دهم فروش خود توانسته بیش از سه میلیون دلار فروش داشته باشد که مجموع فروش این فیلم را به بیش از ۹۶ میلیون دلار رسانده است.

این فیلم نظرات ضد و نقیضی را بین منتقدان برانگیخته که البته به‌زعم بسیاری از آنها به پای دیگر شاهکار آرونوفسکی، مرتیهای برای یک رویا، نمی‌رسد.

□

۱۰- مغضل



مردی متوجه می‌شود که همسر دوست صمیمی‌اش به او خیانت می‌کند. این فیلم به کارگردانی ران هاوارد و با بازی ونس وون، کوین جیمز، وینونا رایدر و جنیفر کانلی توسط کمپانی یونیورسال تهیه و تولید شده و در هفته چهارم فروش خود توانسته بیش از سه میلیون دلار فروش داشته باشد که مجموع فروش این فیلم را به ۴۵ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار رسانده است. به گفته منتقدان انتخاب بازیگران این فیلم از نقاط قوت آن است، اما تلاش فیلم در کم‌دی بودن چندان تمربخش نیست و فیلم بیشتر به ملودرام پهلو می‌زند تا کم‌دی.

۱۲ سینمای جهان

نگاهی به فیلم «شعر» برنده بهترین فیلمنامه از جشنواره کن

سبب را ببین، جهان را ببین

غریب حرف می‌زنم.»

چند زن و تعداد اندکی مرد پشت نیمکت‌های خود نشستند. چهره‌های گشاده و خندانی دارند. این افراد مسن که برای یاد گرفتن به یک مرکز فرهنگی آمده‌اند، همگی شاگردان خوبی هستند. اوقات‌شان تلخ نیست و از آن دلزدگی که در چهره دانش‌آموزان دبیرستانی دیده می‌شود، خبری نیست. شاید به این خاطر که به انتخاب خودشان به اینجا آمده‌اند. مساس‌تفانده به چهره مردی چشم دوخته‌اند که آمده تا درباره هنر و شاید زندگی چیزهایی به آنها یاد بدهد، اما مرد به جای تمام اینها سببی را بالا می‌برد و درباره دیدن آن صحبت می‌کند.

اهمیت دیدن، عمیق دیدن جهان، کانون اصلی فیلمی به شدت ویرانگر و البته انسانی است؛ فیلمی به کارگردانی جانگ دونگ لی از کره جنوبی. در طول داستان معلم، مردی عینکی که رفتار ساده و مهربانی دارد، دانش‌آموزانش را هدایت خواهد کرد تا با جست‌وجو در خاطرات و احساسات‌شان یک شعر بنویسند. او در نخستین جلسه خطاب به دانش‌آموزانش می‌گوید «تا به حال شما سببی را حقیقتاً ندیده‌اید.» در همین حین دوربین روی چهره یکی از دانش‌آموزان با نام می‌یا ثابت می‌شود. «برای آنکه بدانید یک سبب واقعاً چیست، باید به آن علاقه‌مند شوید و آن را بفهمید، این جوری واقعاً آن را دیده‌اید.» آن گونه که دوربین روی چهره می‌یا ثابت شده، واضح است که معلم آن کلمه سبب به جای زن یا زندگی استفاده می‌کند.

برای می‌یا، زنی ۶۶ساله که به تنهایی نواش، ووک، را در آپارتمانی شلوغ در شهری بی‌نام بزرگ می‌کند، شعر بدل به سرگرمی و پس از مدتی شوری عظیم می‌شود و در نهایت بدل به ابزاری می‌شود که به واسطه آن گزارش‌ی ناممومل و فراتر از درک هر روزه انسانی از آنچه برایش رخ داده می‌دهد. در ابتدا شعر سبب می‌شود کمتر روی مسائل آزاردهنده جهان بیرون تمرکز کند؛ راهی می‌شود برای تمرینی ذهنی. می‌یا در آستانه فراموشی است و پزشکش به او گفته که تا مدتی دیگر حافظه‌اش را از دست خواهد داد.

اما می‌یا بدون ترس یا سردرگمی ماجرا را پیش خودش نگه می‌دارد. شاید حتی از خودش هم پنهان می‌کند و نه به نواش و نه به دخترش که در شهری دیگر زندگی می‌کند چیزی نمی‌گوید. به جای آن به سراغ شعر می‌رود. پای تلفن با دخترش ریز می‌خندد و می‌گوید: «من استعداد شاعری دارم، گل‌ها رو دوست دارم و عجیب و

نگاهی به فیلم ژنرال، اثر باستر کیتن

صنعت و آنچه به حاشیه خواهد رفت



اشیا و کالاهایی نامتجانس با واقعیت‌های طبقاتی خود، خود را آن گونه که نیست، جلوه می‌دهد و هویتی کاذب را با خود در خیابان و پاساژ و میهمانی یدک می‌کشد. موقعیت آینده‌نگرانه باستر کیتن در فیلم ژنرال را باید به نگاه عمیق او نسبت به بعد متافیزیکی این مناسبات معطوف داشت که از صورت‌های جاری درمی‌گذرد و به خلق نشانه‌های سمبلیک یک فرآیند کامیاب می‌شود (آنچه یک فیلم صامت را حائز اعتبار جهت خوانش‌های متعدد می‌گرداند). در نخستین سکانس فیلم که دوربین در امتداد قطار حرکت می‌کند تا عظمت آن را به نمایش بگذارد و پیش از آنکه به نام ژنرال که در جلوی قطار حب شده برسد، برای لحظه‌ای کوتاه تصویری از جایی گری می‌بینیم که غرق در شغل خود است و با ظرافتی که پس از گذشت یک سده هنوز هم میان ماشین‌بازها سراغ داریم در حال دست کشیدن به لبه‌های پنجره و دور کردن گرد و غبار از ژنرال است. نوعی نرد عشق باختن به کالا که در شرف به محاق بردن عنصر انسانی (نیست) حتی وقتی آنابل در دیده می‌شود و پس از یک تقییب و گریز طولانی، جان گری از روی

سال پنجم ■ شماره ۱۱۸۵ ■ سه‌شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۸۹



و شروع به نوشتن می‌کند: «خون… گلی به سرخی خون». می‌یا، بی‌درد و رنج راهی پیدا می‌کند تا ببیند، جهان را واقعاً ببیند، با گل‌هایش، درخت‌های پوسیده‌اش، انسان‌های خندانش و بی‌رحمی‌هایش، و با این گونه دیدن حقیقت بدل به هنر می‌شود، ترازوی بدل به امر متعالی می‌شود. این یک تغییر حالت خارق‌العاده است؛ تغییر حالتی که از قطعات روایی به ظاهر نامرتبط، لحظاتی که به نرمی و لطافت سبیری شده و خشونت‌ی رسمی سر بلند کرده است. با این همه تمام قطعات این فیلم تأثیربرانگیز به خوبی به هم جفت می‌شوند- موفیقا و حرکاتی که در آغاز فیلم دیدیم، در صحنه‌های پایانی بازتاب می‌یابند- حتی گل‌های فیلم، چه آنها که می‌یا در خارج از رستوران به سراغ‌شان می‌رود و چه آنها که در مراسم ختم دختر در گلدانی جای گرفته‌اند، رودخانه‌ای که فیلم با آن آغاز شده تا آخرین تصاویر فیلم جریان می‌یابد. در واقع ما عبوری مداوم و مستمر روبه‌رو هستیم تا

تصادف محل اختفای او را می‌یابد و با شهادت کودکانه خود آنابل را نجات می‌دهد. نوبت به نجات ژنرال می‌رسد و آنابل به کمک گری ژنرال را از دست دشمن درمی‌آورد تا توسط او جان گری باشد. هم او نقش قهرمان را ایفا کند و نوعی میل به نوسان و تکامل ما بین این سه (جان‌گری، آنابل، و ژنرال) وجود دارد که دانیل میز آن را مثل عشق نام می‌نهد. (دانیل میز، ۱۷) از اینجا به بعد شاهد کم‌دی تلخ و تامل‌برانگیز کیتن هستیم. کم‌دی موقعیت و گریزا با اندکی تساهل می‌شود گفت گری اصلاً نمی‌داند به دنبال چیست ولی در سراسر فیلم او را به طور مداوم در تحرک و تکاپو می‌بینیم. او درست مانند ژنرال حرکات ماشینی دارد و حتی وقتی ژنرال در توقف است، لوکوموتیوران بی‌وقفه در حال تدارکاتی چون تمیز کردن خط راه آهن یا تهیه چوب برای سوخت ژنرال است. گری بی‌وقفه سراسر قطار را طی می‌کند و نقش‌های مختلفی از رانندگی قطار گرفته، تا دیده‌بانی و وظایف سنتی یک سرباز دون‌پایه بر عهده می‌گیرد. (در این لحظات است که جان گری تا حدی قدرت غیرمکانیکی خود را برای لحظات پیش‌بینی نشده به نمایش می‌گذارد.) موقعیت‌ها و نقش‌هایی که بدون خواست و اراده او جابه‌جا به وی تحمیل می‌شود و او برای زنده ماندن و از خطر گریختن باید از پس تک تک آنها برآید. در واقع مسیر راه‌آهن به مسیر پریپچ و خم زندگی مدرن تبدیل می‌شود و گری، انسان مدرنی را نمایندگی می‌کند که هنوز کارویژه‌های چنین موجودیتی و هویتی را برنقافته است. او نماینده انسان ساده‌دل و معصومی است که به ناگاه به بطن زندگی پیچیده و مکانیکی مدرن پرتاب شده است.

کیتن در فیلم ژنرال کم‌دی را به ابزاری جهت فراوری از واقعیت‌های عادی شده ارتقا می‌دهد. مخاطب می‌تواند در نمایی بالاتر از سطح رویدادهای عادی جهان مدرن، به نظاره اعمال کمیک و درهم و برهم انسان‌ها بنشیند. بنشیند و چشم‌اندازی از خشونت و جنگ و قتل عام را نظاره کند؛ اعمالی که آنقدر برای نوع انسان عادی شده است که کیتن به خود اجازه می‌دهد نگاهی طعانه‌به ماهیت جنگ داشته باشد. جالب آنکه کیتن با ظرافتی مثال‌زدنی واقعیتی نه‌چندان خوشایند را پیش چشمان انسان بازنمایی می‌کند. اینکه او دقیقاً همه‌کاره و همه فهم نیست. چگونه؟ در سکانس‌های مربوط به جنگ می‌بینیم عوامل متعددی که

خود جان گری مدخل بروز آنهاست، شرایط را به نفع شمالی‌ها رقم می‌زند. در واقع عناصر فیلم از آغاز تا انتها چنان با حوصله طراحی شده‌اند که در پایان، نتیجه هم به کام سرزمین مطبوع جان گری باشد. هم او نقش قهرمان را ایفا کند و از همه مهم‌تر نشان دهد که چگونه این چیدمان تصادفی باعث بروز نتایجی هستند که انسان در نهایت خود را در آن عنصر مسلط می‌یابد. در واقع انسان در انتها به عامل نهایی بدل می‌شود چون خود انسان نیز هنوز قدرت تشخیص موقعیت‌های خود را ندارد. در برخی نواها راه‌آهن و طبیعت نیز چنان به هم آمیخته شده‌اند که فکر بازگشت به وضع طبیعی را از سر بیرون می‌کنند. در اصل کیتن می‌کوشد شرایط منصفانه‌ای از صنعت و انسان خلق کند و صنعت را در جهت بهتر کردن زندگی انسان نشان دهد. اما در عین حال هشدار جدی نیز باشد در این راستا که همین قناعت نیز در حال تبدیل شدن به رویایی بازگشت‌ناپذیر است. پیشرفت چنان به سرعت در حال طی شدن است که روز روز بیشتر از دیروز عناصر ناب هستنی و آگاهی در حال حاشیه‌ای‌تر شدن و کم‌رنگ‌تر شدن هستند.

منابع:.....
۱- فیلمنامه ژنرال و مقاله کیتن و معصومیت مکانیکی نوشته دانیل میز، ترجمه: مریم موسوی و رحیم قاسمیان، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۷
۲- نورستن ویلن، نظریه طبقه تن‌آسا، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، چاپ دوم ۱۳۸۶
۳- ژنرال، کارگردان: باستر کیتن و کلاید بروکمن، محصول: باستر کیتن پروداکشنز و یونایتد آر‌تیستز، ۱۹۲۶